

باشند. بنابراین اینکه حفاظت از میراث فرهنگی فقط بر عهده یک وزارتخانه ببینیم که توان کافی ندارد، این هم مخرب است.

با چه راهکارهای می‌توان نسل جوان را به عنوان حافظان آینده میراث فرهنگی درگیر کرد و آنها را به سفیران حفظ هویت و فرهنگ ایرانی تبدیل کرد؟

به نظر من مهمترین شیوه درگیر کردن نسل جوان، آگاهی دادن آنهاست. از نظر من هر وقت که شناخت نسبت به ارزش‌های میراث فرهنگی در نزد هر فردی یا در احاد جامعه وجود داشته باشد، تخریب کاری سخت و حفاظت کار آسانی خواهد شد. در شرایط فعلی ما مشکل داریم ما در سطوح مختلف سنی، شغلی، تحصیلی، صنفی نیازمند آموزش هستیم. آموزش به دو طریق است یکی مستقیم هست و دیگری هم غیرمستقیم. ولی مهمتر از آموزش این هست که حداقل بدآموزی نداشته باشیم. فرض کنید که در یک فیلمی که از رسانه ملی پخش می‌شود، قهرمان فیلم یه گنج‌یاب است، در حالی که در عالم واقع گنج‌یاب‌ها آدم‌های مریض و روانی هستند که هم خود را بدبخت میکنند و هم جامعه را و در ادامه تخریبی که به میراث فرهنگی می‌زنند غیرقابل جبران است.

گنج‌یاب‌ها تمام خاک این سرزمین را به توبره کشیده اند پس ما نه تنها در کتاب‌های درسی جایی برای میراث فرهنگی نداریم، بلکه برای آموزش نیروهای نظامی و انتظامی، فضات، ارتش و هنرمندان فرهنگی و فعالان فرهنگی، هیچ سعی در گفتگو در باره موضوع میراث فرهنگی نکردیم؛ بلکه به طریق‌های غیر مستقیم از جمله نشان دادن گنج‌ها به عنوان میراث فرهنگی و شخصی کردن آن، نسبت به میراث فرهنگی یک نوع بد آموزی هم کردیم. بنابراین آگاهی حاصل از شناخت موضوعی است که نسل جوان ما برای محافظت از میراث فرهنگی کشور به آن هم نیاز دارد.

سرزمینی ما چالش بزرگتری است. به نظر من توان میراث فرهنگی برای تقابل با این حجم‌ها به اندازه کافی نیست، چرا که حجم‌ها و آثار فراوان شده است ولی توان میراث فرهنگی نسبت به این حجم‌ها افزایش پیدا نکرده است.

به نظر می‌رسد که راهکار این مشکل حرکت به سمت آموزش ملی باشد و این مهم را باید نسبت به ارزش میراث فرهنگی و لزوم حفاظت از آن جبران کرد. به نظر من یکی از چالش‌ها همین است که حفاظت از میراث فرهنگی آیا وظیفه تنها و تنها وزارت میراث فرهنگی است یا سازمان برنامه و وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و وزارت کشور، رادیو و تلویزیون و رسانه ملی هم باید در این امر مهم مشارکت داشته

تعاریف اقلیمی را تغییر داده و توسعه شهری، توسعه کشاورزی و منابع زیرزمینی آب ما را از دست می‌دهد و اینها در بناهای تاریخی عوارضی دارند. راه‌های قدیمی به تدریج متروک شده و راه‌های جدید عرصه‌های زیست‌های طبیعی را مرتباً تغییر می‌دهند که این امر تأثیر مستقیم بر زیست بوم ما دارد. مناطقی که برای توسعه شهری انتخاب می‌شوند و سطح گستردگی توسعه شهری و آهنگ شتابان آن باعث میشوند که عرصه‌های تاریخی مهجور و مطرود شده و به سمت تخریب بروند.

پس برنامه‌های توسعه شهری ما هم یه چالش عمده است، برنامه‌های توسعه

